

امر به معروف و نهی از منکر در زندگانی بانوی اهل بهشت حضرت زهرا سلام الله علیها

قرآن کریم عمل به دو اصل حیاتی امر به معروف و نهی از منکر را از ویژگی های اهل ایمان می داند و در این باره می فرماید: (وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) [۱]؛ مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند. آنان همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کنند. نکته مهم در این آیه، اشاره به نقش زنان در عرصه امر به معروف و نهی از منکر است که خداوند متعال به صراحت بیان می دارد زنان نیز همانند مردان باید به ترویج ارزش های الهی بپردازند و در عرصه امر به معروف و نهی از منکر پیشقدم باشند؛ چرا که این دو فرضیه، از تمام برنامه های اسلام حتی جهاد در راه خدا افضل و بالاتر و مهم تر است. علی(ع) می فرماید: و ما اعمال البر کَلِّها و الجهاد فی سبیل الله عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر الا کنفثه فی بحرٍ لَجِّی؛ [۲] تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خداوند، در برابر امر به معروف و نهی از منکر، همانند قطره ای در دریاست.

این دو اصل، محافظ و پاسبان تمام اعمال نیک است. اگر امر به معروف و نهی از منکر نباشد، بهترین اعمال نیک به فراموشی سپرده شده و بقیه احکام خدا نیز عملی نخواهد شد. به این جهت امام باقر(ع) در مورد فلسفه این دو اصل می فرماید: امر به معروف و نهی از منکر دو فرضیه مهم و برزگ الهی هستند که به وسیله آن دو، سایر واجبات الهی اقامه می شوند، راه ها امن می گردد، کسب و کار مردم حلال ، حقوق افراد تأمین، سرزمین ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می شود و استواری تمام کارها، به عملی شدن این دو اصل بستگی دارد. [۳]

طبق رهنمود پیشوای پنجم، اگر مسلمانان به دو اصل امر به معروف و نهی از منکر اهتمام بورزند، دنیا و آخرت خود را آباد خواهند کرد؛ زیرا انجام دیگر واجبات ، امنیت و آسایش، رفاه و آرامش، تأمین حقوق مردم و آبادی شهر و روستا همه و هم در گرو عمل به این دو اصل است؛ زیرا معروف از منظر وحی، تمام اعمال و رفتار هایی است که مصلحت مردم در آن است و منکر نیز تمام کارهای زشتی است که فساد و تباهی و بی بند و باری در پی دارد.

اگر اهل ایمان، به احیای معروف و جلوگیری از منکرات اهتمام بورزند، جامعه ای سالم و به دور از زشتی ها، آلودگی ها، نگرانی ها و تضییع حقوق انسان ها به وجود خواهد آمد.

با توجه به ضرورت نهی از منکر و الگو بودن حضرت زهرا(س) در این زمینه، بررسی شیوه های عملی نهی از منکر در سیره و سخن آن حضرت، امری پسندیده و مناسب می نماید:

یکی از شیوه های مهم در موضوع نهی از منکر، آگاهی دادن به مردم از طریق آیات قرآن است؛ زیرا بسیاری از مردم در اثر عدم اطلاع از دستور های خداوند و آشنا نبودن به آیات قرآن، به سوی منکرات تمایل پیدا می کنند، اما اگر به آنان کاملاً توضیح داده شود که خداوند متعال چه کارهایی را دوست دارد و چه اعمالی را نمی پسندد، بسیاری از مردم از ارتکاب منکر خودداری می کنند. به نمونه زیر توجه کنید:

عده ای در ستمی آشکار، فدک را که پیامبر(ص) آن را برای حضرت فاطمه(س) به ارث گذاشته بود، به او ندادند. استدلال این افراد کژاندیش این بود که پیامبران از خود مال دنیا به ارث نمی گذارند و بنابراین فدک به حضرت فاطمه(س) نمی رسد. اما حضرت فرمود: شما که می گوئید پیامبر ارث نمی گذارد، به کتاب خدا بنگرید. در آنجا خداوند می فرماید: (و ورث سلیمان داود)[۴]؛ سلیمان از پدرش داود ارث برد و در سوره مریم از زبان زکریای پیامبر می فرماید: خداوند! به من فرزندی عطا کن که از من و آل یعقوب ارث برد. آن گاه حضرت فاطمه(س) به مردم حاضر در مسجد پیامبر(ص) فرمود: ای مردمی که به سوی باطل شتاب می کنید و کردار زشت و بیهوده را نادیده می گیرید، آیا به قرآن نمی نگرید که می فرماید: (افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها)[۵]؛ آیا در قرآن نمی اندیشید یا آنکه بر دل های شما مهر زده شده است؟

یکی دیگر از منکرات عصر حضرت فاطمه(س)، غصب مقام حکومتی حضرت علی(ع) بود. حضرت فاطمه(س) در مقام نهی از منکر برای زنان اهل مدینه باز هم به آیات قرآن تمسک کرد و بعد از حمد و ثنای الهی به آنان فرمود: وای بر دوستان دنیا! چرا نگذاشتند حق در مرکز خود بماند و خلافت بر پایه های نبوت بچرخد؛ چرا که آنان خلافت را از خانه ای که جبرئیل نازل می شد، به جای دیگر بردند و حق را از علی(ع) که به مسائل دین و سیاست آگاه بود، گرفتند. سپس آن حضرت آیاتی از سوره های اعراف، زمر، رعد، کهف و ... را قرائت فرمود.

طبق این شیوه فاطمی، آمران به معروف و ناهیان از منکر باید تا حدودی با آیات قرآن آشنا باشند تا در صورت لزوم از کلام الهی هم بهره گیرند. علاوه بر آن، ناهیان از منکر موظف اند، آگاهی های لازم را در زمینه عواقب دردناک و خانمان برانداز منکرات به دست آورند و به مخاطبان خود عرضه کنند

آن حضرت برای نهی از منکر و جلوگیری از کارهای خلاف، به دلایل عقلی نیز تمسک می کرد؛ همچنان که در مناظره با ابوبکر، علاوه بر قرآن، به دلایل عقلی نیز استناد می کرد.

روزی آن حضرت به نزد ابوبکر رفت و او را از عمل زشت غصب فدک بر حذر داشت. او در پاسخ خلیفه که او را شایسته ارث نمی دانست، فرمود: ای ابوبکر! هر گاه تو بمیری چه کسی از تو ارث می برد؟ او گفت: زن و فرزندانم. حضرت زهرا(س) فرمود: پس چه شده که من نمی توانم از پدرم ارث ببرم؟ [۶]

هجوم به افکار و اندیشه های غلط مرتکبین منکرات و زیر سؤال بردن آنان، شیوه ای منطقی و عقلانی است و اگر هم نتوانند از کار منکر بازدارد، حداقل آنان را به تفکر وامی دارد و در مورد کار خلافشان مردد می سازد. آن حضرت در مقام نکوهش مسلمانان بی تفاوت در ماجرای غصب خلافت، افکار آنان را به چالش می کشید و با سئوالات منطقی مواجه می ساخت و می فرمود: لیث شعری الی ایّ سناد استندوا؟ و علی ایّ عماد اعتمادوا؟ و بایّ عروه تمسکوا؟ و علی ایّ ذریّه اقدموا و احتنکوا؟ ای کاش می دانستیم به چه پناهگاهی تکیه زده اند؟ و به کدام ستون استوار اعتماد کرده اند؟ و به کدامین ریسمان تمسک بسته اند؟ و بر کدام فرزند و خاندانی پیشی گرفته و غلبه کرده اند؟ [۷]

حضرت فاطمه در مورد مسائلی که ممکن بود در جامعه آن را منکر کوچکی محسوب کنند، حساسیت نشان می داد. روزی آن حضرت به اسماء بنت عمیس فرمود: ائی قد استقبحت ما یصنع بالنساء انه یطرح علی المرأه الثوب فیصفها لمن رأی [۸]؛ من بسیار زشت می دانم که جنازه زنان را بر روی تابوت گذارند و بر روی آن پارچه ای افکنند که حجم بدن او را برای مردان نامحرم نمایان می سازد. اسماء بنت عمیس عرضه داشت: ای دختر رسول خدا! در سرزمین، حبشه برای حمل جنازه ها تابوتی درست می کنند که بدن میت را کاملاً می پوشاند. آن گاه اسماء چوب های تر و شاخه های نازک درخت، شبیه آن تابوت را برای حضرت فاطمه ساخت و آن را به او نشان داد. حضرت زهرا(س) با

خشنودی و خوشحالی فرمود: چه طرح زیبایی که کاملاً بدن زن در آن از دید مردان پوشیده می ماند. ای اسماء! برای من تابوتی با همین طرح درست کن و بعد از وفات مرا با آن بپوشان. خداوند تو را از آتش دوزخ نگهدارد! [۹]

یکی از مراحل نهی از منکر قهر و سکوت است. انسان مسلمان وقتی نتواند با موعظه و گفتگو گنهکاران را از راه انحرافی بازدارد، با قهر و سکوت خود، به مبارزه می پردازد. این شیوه حتی در مسائل تربیتی نیز مؤثر است. حضرت زهرا(س) در عرصه نهی از منکر از این روش بازدارنده نیز بهره می گرفت. او بعد از رحلت پدر بزرگوارش، با انواع ناملایمات و گرفتاری ها روبه رو شد. او شاهد هجوم ناجوانمردان به خانه اش بود. اهانت به علی(ع)، سیاست های غیر اسلامی اهل سقیفه، بی تفاوت بودن مردم و ده ها مورد دیگر، از جمله کارهای ناپسند و زشت عده ای هواپرست و خودخواه بعد از وفات پیامبر بود. فاطمه زهرا(س) برای مقابله با این اعمال ناروا، به مبارزه منفی روی آورد و ناراحتی خود را با قهر و سکوت ابراز داشت و خطاب به خلیفه اول فرمود: و الله لا اکلکم ابدأ و الله لادعون الله علیک فی کل صلوٰه [۱۰]؛ به خدا قسم هرگز با تو سخن نخواهم گفت. به خدا سوگند در نمازهایم تو را نفرین خواهم کرد. زمانی که آن حضرت در آستانه شهادت قرار گرفت و خلیفه اول و دوم برای دلجویی، به عیادت حضرت فاطمه(س) آمدند و در مورد اعمال غیر اسلامی و جابرانه خود عذر خواهی کردند. آن حضرت نهایت اعتراض خود را با قهر و سکوت ابراز داشت و به آنان فرمود: والله لا اکلکم من رأسی حتی القی ربی فاشکونکمما الیه بما صنعتما به و بی و ارتکبتما منی [۱۱]؛ به خدا سوگند بعد از این با شما دو نفر حتی یک کلمه نیز سخن نخواهم گفت، تا اینکه خداوند را ملاقات کنم و از شما دو نفر در نزد خداوند شکایت خواهم کرد که چگونه با خدا و دین او و با من رفتار کردید و چه اعمال زشتی را مرتکب شدید.

وصیت نامه حضرت فاطمه یکی دیگر از نشانه های مبارزه منفی و استفاده از شیوه قهر و سکوت در مقابل رفتارهای منکر و خلاف شرع است. آن حضرت به امیرمؤمنان علی وصیت کرد که : اوصیک ان لا یشهد احد جنازتی من هولاء الذین ظلمونی و اخذوا حقّی فانهم عدوی و عدوّ رسول الله و لاتترک ان یصلّی علیّ احد منهم و لا من اتباعهم و ادفنّی فی اللیل اذا هدأت العیون و نامت الابصار [۱۲]؛ به تو وصیت می کنم که در تشییع جنازه من هیچ یک از کسانی که به من ستم روا داشتند و حقم را غصب کردند، شرکت نکنند؛ زیرا آنان دشمن من و دشمن رسول خدا هستند و هرگز

اجازه نده که فردی از آنان و پیروانشان بر من نماز بگذارد. مرا شب دفن کن، آن هنگام که چشم‌ها آرام گرفته و دیده‌ها به خواب فرو رفته است.

برای جلوگیری از فساد و بی‌بندی و باری و کارهای زشت و ناپسند، باید به اهل خلاف هشدار داد و از عواقب وخیم و فرجام کار زشتشان بر حذر داشت؛ حتی باید آنان را با تهدید و نفرین به سوی حق متمایل ساخت. از شیوه نهی از منکر، در سیره حضرت زهرا(س) نیز مشاهده می‌شود. حضرت فاطمه(س) به مردمی که از معیار حق یعنی علی(ع) فاصله گرفتند و به اهل باطل گراییدند، هشدار می‌دهد و خطاب به زنان مهاجر و انصار می‌فرماید: به خدا سوگند اگر (مردان شما) پای در میان می‌نهند و علی(ع) را بر کاری که پیامبر(ص) به عهده او نهاد، قرار می‌دادند، او ایشان را به راه راست می‌برد و حق هر یک را به او می‌سپرد؛ چنان که کسی زبانی نبیند و هر کس میوه آنچه را که کشته است، بچیند... علی(ع) همواره در پنهان و آشکار نصیحت‌کننده و خیرخواه مردم بود و اگر به خلافت می‌رسید، از اموال بیت‌المال برای خود ذخیره نمی‌کرد و از ثروت دنیا جز به اندازه نیاز بر نمی‌داشت؛ به اندازه آب اندکی که عطش را فرونشاند و طعام مختصری که گرسنگی را رفع کند. اگر مردم حق را به امام واقعی می‌سپردند، درهای رحمت از آسمان و زمین به روی آنان گشوده می‌شد. اما دروغ گفتند و به زودی به کیفر دروغشان عذاب خواهند شد... شگفتا! چه دوستان دروغین و سرپرستان ناهلی را انتخاب کردند! و چه زشت است سرانجام ستمکاران که جایگاه بدی برگزیدند!... اما به جان خودم سوگند، نطفه فساد بسته شد. باید فرجام زشت فساد را در جامعه اسلامی انتظار کشید. مسلمانان آینده خواهند فهمید که سرانجام و نتایج اعمال به مسلمانان صدر اسلام، چه بوده است. مطمئن باشید شمشیرهای کشیده و حمله‌ها و تهاجمات پی‌درپی، به هم ریخته شدن امور اجتماعی مسلمانان، و استبداد و حکومت دیکتاتوری ستمگران شما را فرا خواهد گرفت. آنان جمع شما را با شمشیرهای خود درو می‌سازند. پس حسرت و اندوه بر شما! کارتان به کجا خواهد انجامید. دریغا که دیده حقیقت بین ندارید و ما هم نمی‌توانیم شما را به کاری که کراهت دارید، ملزم کنیم [۱۳].

یکی از محورهای انجام نهی از منکر، مبارزه علنی با منکرات است. اگر موعظه، ارشاد، هشدار، قهر و سکوت نتیجه ندهد، مسلمان متعهد موظف است که در اجتماع به طور علنی فریاد برآورد و بر ضد زشتی‌ها، بی‌عدالتی‌ها و منکرات قیام

کند. شیخ طوسی می گوید: نهی از منکر، یک امر الهی و واجب کفایی است و برحسب مراتب و زمینه ها، احکام مختلفی دارد. وقتی که تبلیغ، دعوت، موعظه مؤثر واقع نشد، باید راه های قوی تری را برای پیشگیری آن انتخاب کرد. افشاگری، تهدید، تخویف (ترساندن) و حتی برخورد فیزیکی نیز لازم است، تا اینکه منکرات از جامعه حذف شود. البته برخورد مستقیم باید با اجازه حاکم و والی صورت گیرد. [۱۴]

حضرت فاطمه(س) در عمل به مراحل مختلف نهی از منکر، هر گاه که احساس می کرد گفتگو و موعظه و ارشاد تأثیر ندارد، به افشاگری می پرداخت. او در مقابل اعمال زشت حاکمان زمان که حقوق وی را غصب کرده و مرتکب اعمال ناپسند شده بودند، وقتی که از گفتگوی رو در رو نتیجه ای نگرفت، در جمع مسلمانان به افشاگری و تظلم پرداخت و در اجتماع بزرگ مردم مدینه فرمود: ای مسلمانان! شما را به خدا قسم می دهم، آیا از رسول خدا(ص) شنیده اید که فرمود: فاطمه پاره تن من است. هر کس او را آزار دهد، مرا آزرده کرده است. خشنودی فاطمه خشنودی من است و خشم او خشم من است. هر کس فاطمه را دوست بدارد، مرا دوست داشته و هر کس او را راضی کند، مرا راضی کرده است. گفتند: آری، این سخنان را از پیامبر(ص) شنیده ایم. در این حال، حضرت زهرا(س) خطاب به عمر و ابوبکر گفت: من، خدا و فرشتگان را گواه می گیرم که شما دو نفر مرا ناراحت کردید و به خشم آوردید و آزارم دادید و هرگز در راه رضایت من گام برنداشتید. اگر رسول خدا(ص) را ملاقات کنم، از شما دو نفر نزد حضرتش شکایت خواهم کرد. [۱۵]

آن حضرت همچنین وقتی که سکوت و بی اعتنایی مردم را در مقابل تضییع حقوق علی و اهل بیت پیامبر: مشاهده کرد و از موعظه و ارشاد هم اثری ندید، به افشاگری و سرزنش آنان پرداخت و برای جلوگیری از عمل منکر آنان بر آشفت و با دلی مضطرب و صدایی رسا فریاد برآورد: ویکم ما اسرع ماختم الله و رسوله فینا اهل بیت وقد اوصاکم رسول الله باتباعنا و مودتنا والتمسک بنا [۱۶]؛ ای مردم! وای بر شما چه زود به خدا و پیامبرش درباره ما اهل بیت خیانت کردید؛ در حالی که رسول خدا شما را به پیروی از ما، و دوستی و تمسک به ما را توصیه کرده بود.

آن حضرت در سخن دیگری اعمال ناپسند کسانی را که فدک را غصب کرده بودند، نکوهش کرد و فرمود: فدک هدیه ای الهی بود که آن را به پیامبرش بخشید و رسول گرامی اسلام آن را برای تأمین زندگی فرزندانم به من سپرد. واگذاری

فدک به من و فرزندانم، با حکم و علم خداوند بزرگ و شهادت جبرئیل امین صورت گرفت. پس اگر کسانی آن را با ستم، غضب و وسیله امرار معاش فرزندانم را قطع کردند، با یاد روز قیامت بر این مصیبت صبر می کنم و به زودی غاصبان فدک، عذاب الهی را در دوزخ خواهند دید. [۱۷]

پی نوشت ها:

[۱]. توبه/ ۷۱،

[۲]. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۳۰۶

[۳]. الکافی، ج ۵، ص ۵۵

[۴]. نمل / ۱۶،

[۵]. محمد / ۱۲،

[۶]. کشف الغمّه، ج ۱، ص ۴۷۷

[۷]. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۹

[۸]. نوادر راوندی، ص ۱۳، ذخائر العقبی، ص ۵۳

[۹]. تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۹؛ کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۰۳؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۹

[۱۰]. اللّمعه البیضاء، ص ۸۲۵

[۱۱]. الهجوم علی بیت فاطمه(س)، ص ۱۳۹

[۱۲]. روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۵۰؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۱

[۱۳]. احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۱۰۸؛ بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۱۵۹؛ فرهنگ سخنان حضرت فاطمه(س)، ص ۹۲،

[۱۴]. تفسیر التبیان، ج ۲، ص ۵۴۹،

[۱۵]. الفرقان، ج ۲۲، ص ۶۰؛ الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۲۰؛ ماساه الزهراء، ج ۱، ص ۲۴۰،

[۱۶]. الاسرار الفاطمیه، ص ۱۲۱؛ بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۲۹۹،

[۱۷]. فرهنگ سخنان حضرت فاطمه(س)، ص ۲۰۹،